

# نظم و انضباط درگیر و گفت معلمان



دکتر لیلا سلیقه‌دار

همواره

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معلمی، یادگیری دانش‌آموزان و نوع تربیت آنان بوده است. تمام پیشرفت‌های مربوط به حوزهٔ تعلیم و تربیت، به نوعی با همین نگرانی و هدف نهایی معلم همراه و مرتبط بوده است. بر این اساس، در خصوص یکی از شرایط زمینه‌ای و اثرگذار در آموزش که با عنوان «مهارت‌ها» یا «فنون تدریس» شناخته می‌شود، سلسله‌گفت‌وگو‌هایی با گروه‌های متفاوتی از معلمان انجام شده است. در هر شماره، یکی از مباحث، با عده‌ای از معلمان بحث و بررسی می‌شود. از آن‌جا که نظرات هر یک از دوستان خواننده می‌تواند آغازگر راهی تازه و به اشتراک گذاشتن تجربه‌ای جدید باشد، بنابراین سؤالات مربوط به هر موضوع، در مجله، و یا در وب سایت مجله قرار خواهد گرفت. منتظر دریافت نظرات شما

هستیم

## مدارس در تکنولوژی آموزشی

### اشاره

از دیرباز، آموزش از جمله فعالیت‌هایی بوده که انسان از آن گریزی نداشته است. او باید تمام اطلاعات و مهارت‌های خود را به دیگری منتقل می‌کرد تا او بتواند روزی از آن‌ها بهره‌بردار. اما در این روند، همهٔ فراگیرندگان به یک اندازه از استاد بهره‌نمی‌بردند، زیرا برای هر آموزشی و به فراخور هر شرایطی، مهارت‌هایی لازم است که از طریق آن‌ها، امکان تحقق اهداف میسر می‌شود. امروزه از این اصل تحت عنوان «مهارت» یا «فن تدریس» نام برده می‌شود. فنون تدریس در واقع مهارت‌هایی هستند که به اجرای درست روش تدریس کمک می‌کنند. برای مثال، فن پرسش و پاسخ، به آن دسته از مهارت‌های معلم اشاره می‌کند که در آن معلم می‌داند چگونه و از دانش‌آموزان خود چه نوع سؤالی را بپرسد و نیز چگونه پاسخ‌گوی پرسش‌های آنان باشد. فنونی از این دست، ابزارها و راهکارهای ارزشمندی هستند که می‌توانند تأثیرگذاری آموزش و پرورش را موجب شوند. گفت‌وگوی این شماره که با گروهی از معلمان ترتیب داده شده است، به فن نظم و انضباط اختصاص دارد.

### امروز از کلاس درس آغاز می‌شود

نظم و انضباط در مقابل هرج و مرج یا بی‌نظمی قرار می‌گیرد. از آن‌جا که بی‌نظمی موجب از بین رفتن شرایط مناسب یادگیری می‌شود، همواره راهکارهای برقراری انضباط در کلاس درس، مورد توجه معلمان و عوامل مرتبط با آموزش بوده است.

اما از نظم برداشت‌های متفاوتی شده است.

تا آن‌جا که گاهی شاهد کلاس‌های درسی هستیم که تحت عنوان برقراری انضباط در آن، دانش‌آموزان به مجسمه‌هایی شبیه می‌شوند که انجام هیچ حرکت بدون اجازه و یا بیان هیچ کلامی بدون نوبت در آن ممکن نیست. در چنین مواقعی، انضباط از وسیله به هدف تبدیل شده است، در حالی که ایجاد عادت نظم و انضباط در دانش‌آموزان، راهی برای داشتن شرایط زندگی سالم و موفق است که امروز از کلاس درس آغاز می‌شود.

برای روشن شدن بیشتر موضوع و نیز آشنایی با نظرات و دیدگاه‌های معلمان، به دبستان جوادالائمه(ع)، واقع در آموزش و پرورش منطقه چهار تهران رفتیم. برای شروع، موضوع نظم و تعریف آن بررسی شد. این

قسمت از بحث با تعدد نظرات روبه‌رو نبود و تقریباً همه از نظم و انضباط تعریفی واحد داشتند. **سکینه شاکر اردکانی**، آموزگار پایه چهارم به تعریف نظم در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان اشاره جالبی کرد: «نظم عبارت است از این‌که هر کس به وظیفه خود عمل کند، هر چیزی را سر جای خود قرار دهد و نیز هر کاری را در زمان خودش انجام دهد.»

اما چگونه می‌توان انتظار داشت تا نظم و ترتیب با این تعریف در کلاس درس به اجرا درآید؟ به اعتقاد **نسرین مبینی**، مدیر مدرسه، یکی از راه‌ها این است که دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر و در مقابل هر رفتار خود مسئول باشند. به دیگر سخن، خود انضباطی دانش‌آموزان، بیش از اعمال انضباط در کلاس، توسط عوامل محیطی مانند معلم می‌تواند تأثیرگذار باشد.

### موقعیت «الف»:

معلمی در کلاس خود به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در هر قسمت از تدریس او، سؤالات خود را آزادانه بیان کنند و یا در انجام کار گروهی، از گروه خود خارج شوند و با سایر افراد تعامل برقرار کنند تا در زمان تعیین شده پاسخ سؤال خود را از طریق این ارتباط بیابند و سپس به گروه بازگردند.

### موقعیت «ب»:

معلم دیگری طرح سؤالات دانش‌آموزان را به زمان معینی در پایان تدریس مؤکول کرده است. هم‌چنین، در انجام کار گروهی، آن‌ها را به تمرکز بر فعالیت‌های از پیش تعیین شده محدود کرده است و می‌خواهد که تنها با افراد گروه خود ارتباط داشته باشند.

با طرح نظرات همکاران، سه گروه پیش رو قرار گرفتند. **سیده فاطمه میراسماعیلی**، آموزگار پایه اول، از فواید موقعیت دوم این‌طور بیان می‌کند که در این حالت، تمرکز دانش‌آموزان بیشتر است و آن‌ها می‌توانند با دقت بیشتری به موضوع اصلی توجه کنند و سؤالات خود را در زمان لازم بپرسند.

### کاهش پریشانی خاطر

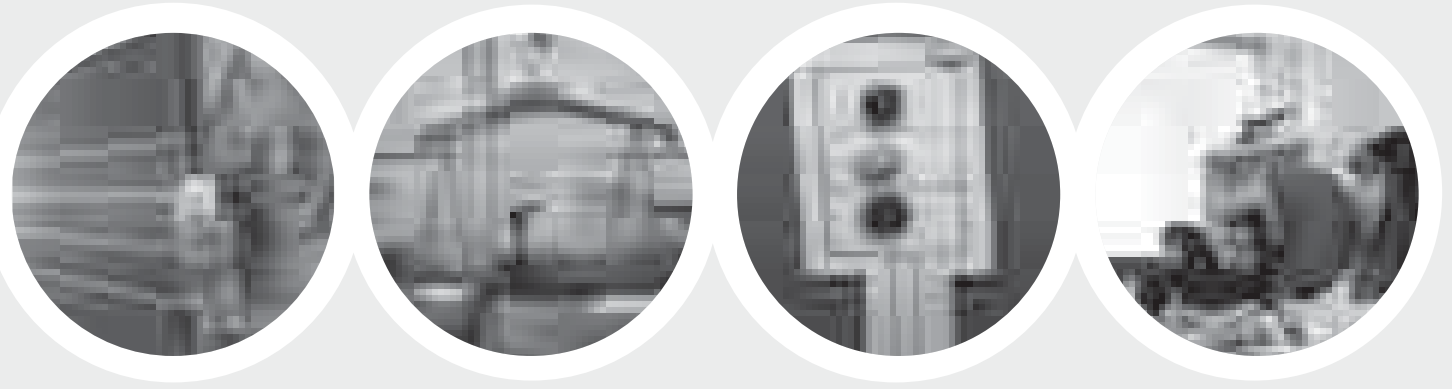
**مریم عراقی آموزگار پایه پیش‌دبستان هم** با او موافق است و اضافه می‌کند: «در چنین شرایطی



از این‌جا کم‌کم عقاید و آرای متفاوتی بیان می‌شد. به منظور دسته‌بندی مشخص‌تر نظرات، سؤالی به این شکل مطرح شد:  
به این دو موقعیت توجه کنید؛ کدام یک را تأیید می‌کنید و چرا؟



من در ابتدای سال  
جلساتی را به گفت‌وگو  
با دانش‌آموزانم  
اختصاص می‌دهم  
و دربارهٔ انتظاراتم با  
آن‌ها صحبت می‌کنم



آشنا باشد، باز عواملی مانند موضوع تدریس، معلومات قبلی فراگیرندگان و هدف نهایی معلم در انتخاب نوع عملکرد دانش‌آموزان مؤثر است. برای نمونه، هنگامی که دانش‌آموزی مفهوم کلمه‌ای را نمی‌داند، اصرار معلم به این که تمام سؤالات دانش‌آموز در انتهای درس پاسخ داده شود، در واقع مانع بزرگی در یادگیری دانش‌آموزان خواهد بود.»

در ادامه نظرات گودرزی، **خدیجه نقوی** که مسئولیت تدریس در پایه دوم را دارد، می‌گوید: «مدیریت کلاس درس توسط معلم بسیار مهم است و موجب ایجاد آرامش و یادگیری بیشتر دانش‌آموزان می‌شود. اما من با روشی که زمینه مشارکت بیشتر دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، موافقم. این موضوع در برخی دروس اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال در درس علوم تجربی، دانش‌آموزان باید بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و در اثر همین تعامل است که بهتر یاد می‌گیرند. هنگامی که در گروه قرار می‌گیرند، همه در گفت و شنود سهمی خواهند داشت و برای پرسیدن سؤالات خود و یافتن پاسخ، شانس بیشتری به دست می‌آورند. در این جاست که معلم نقش هدایت‌کننده را ایفا می‌کند و می‌تواند فعالیت‌های دانش‌آموزان و روند یادگیری آن‌ها را نظارت کند.»

### الگوی یادگیری فعال

**مریم عراقی** که با ادامه سخنان همکاران نقد و توضیح بیشتری بر نظر قبلی خود دارد، می‌افزاید: «هرچند موقعیت «ب» برای پایه‌های بالاتر به ظاهر نظم بیشتری را به ارمغان می‌آورد، اما در پیش‌دبستان اوضاع به شکل دیگری است. دوره پیش‌دبستانی دارای واحدهای متفاوتی است که الگوی فعالیت در هر یک از آن‌ها یادگیری فعال است. به این معنا که مربی گوینده صرف و نوآموز تنها شنونده نیست. بلکه انتظار می‌رود فرایند پویایی در کلاس جریان داشته باشد. بر همین اساس، باید به کودکان اجازه داد مطالب آموزشی را

کلاس منظم‌تری داریم و پریشانی خاطر دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.»

**شاکر هم** در تأیید سخن همکار خود می‌افزاید: «در موقعیت اول، بی‌نظمی زیادی در کلاس شکل می‌گیرد. اما از طرف دیگر فکر می‌کنم هنگامی که دانش‌آموزان می‌توانند در حین تدریس با معلم مشارکت داشته باشند، بهتر یاد می‌گیرند و لازمه این کار آن است که آن‌ها راه‌های مشارکت و رعایت نظم را در این حالت یاد بگیرند تا بتوانند استفاده بهتری از کلاس داشته باشند.»

**مرضیه محمدی** آموزگار پایه سوم هم نظری مشابه شاکر دارد: «در آموزش هر درسی، یادگیری در حد تسلط مورد انتظار معلم است. در این آموزش باید به گونه‌ای رفتار کرد که دانش‌آموز از خود نگرش مثبتی پیدا کند. او باید احساس کند که می‌تواند برنامه‌ریز خوبی باشد و آینده روشنی را رقم بزند. به همین منظور، برای ایجاد تفاهم در خصوص نظم، من در ابتدای سال جلساتی را به گفت‌وگو با دانش‌آموزانم اختصاص می‌دهم و در آن، در مورد وظایف خودم و انتظاراتی که از دانش‌آموز می‌رود، صحبت می‌کنم و نظرات آن‌ها را هم می‌پرسم. به این ترتیب، ما با هم به این نتیجه می‌رسیم که انجام چه کاری در چه زمانی مناسب‌تر است.»

### خوب دیدن و خوب شنیدن

**مهرآور گودرزی** آموزگار پایه اول هم که به نوعی مسبب آشنایی ما با همکاران دبستان جوادالائمه (ع) است و در برگزاری جلسه سهم زیادی داشته است، این طور اظهار نظر می‌کند: «در پایه‌های مختلف هم این موضوع تفاوت‌های خودش را دارد. برای مثال، در پایه اول، اگر فرض کنیم که دانش‌آموزان با قوانین کلاس و نحوه پرسش درس آشنا باشند و خوب دیدن و خوب شنیدن را پیش از این فرا گرفته باشند و از سوی دیگر آموزگار با روش‌های تدریس و خصوصیات سنی دانش‌آموزان

**اگر معلم بتواند از فرصت‌ها به درستی استفاده کند، بهترین حالت ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در تعامل و پرسش و پاسخ اتفاق می‌افتد**



ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در این تعامل و پرسش و پاسخ آن‌ها اتفاق می‌افتد. معلم می‌تواند با نظارت بر فعالیت‌های آنان، متوجه میزان و عمق یادگیری فراگیرندگان شود.

**لیلا آفا داداشی**، آموزگار پایه پنجم، به شدت به تناسب هر موقعیت با شرایط و امکانات معتقد است و می‌گوید «از سخنان همکاران می‌توان چنین برداشت که گاه بسته به شرایط، نوع درس، میزان آموخته‌های دانش‌آموزان، هدف درس و... باید یکی از دو موقعیت و یا تلفیقی از هر دو را در نظر داشت و به کار گرفت. برای مثال، شاید معلم مشغول تدریس موضوعی است که باید سؤال دانش‌آموز در اثر انجام فعالیت‌هایی و در طی زمانی مشخص به پاسخ برسد. بدیهی است در این شرایط بهتر است بیان سؤالات به منظور دریافت پاسخ، به زمان مناسب مؤکول شود. اما چنانچه همکاران هم به آن اشاره داشتند، حالت‌هایی نیز وجود دارد که پاسخ پرسشی در موقعیتی از تدریس می‌تواند راهگشای یادگیری‌های بعدی او شود. در این جا موقعیت «الف» مناسب خواهد بود.»

**صغری شکری** آموزگار پایه دوم نیز که به تلفیق و نظر داداشی بیشتر اعتقاد دارد، چنین بیان می‌کند: «در هر موقعیت و یا هر شرایط لازم است معلم آن‌چه را که از دانش‌آموزان انتظار دارد، به وضوح بیان کند و به آن‌ها آموزش دهد که چگونه رفتارهای درستی داشته باشند. وقتی دانش‌آموز بداند که چگونه و چه زمانی باید سؤال کند، شرایط دل‌خواه به درستی ایجاد می‌شوند و در کلاس شکل می‌گیرند.»

میبینی نیز در تأیید و تکمیل نظر شکری می‌افزاید: «اهداف رفتاری در واقع اهدافی نیستند که صرفاً باید معلم از آن‌ها آگاهی داشته باشد، بلکه لازم است دانش‌آموزان از اهداف مطلع باشند تا سؤالات آن‌ها با محوریت موضوع و اهداف مورد نظر طرح و بیان شود. این کار نظم و سرعت بیشتری به فعالیت‌ها و پرسش و پاسخ‌ها می‌دهد.»

تجربه کنند، نظر دهند و سؤالات و برداشت‌های خود را به راحتی بیان کنند. این روش نه تنها به توسعه یادگیری آنان می‌انجامد، بلکه اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و رشد خلاقیت را نیز در پی دارد.»

**طیبه سعادت‌وند**، آموزگار پایه چهارم با اضافه کردن و تأکید بر یک شرط، با موقعیت «الف» موافق است. او معتقد است: «در صورتی که تنوع مطالب درسی کمتر باشد، مانند آن‌چه که در پایه‌های پایین‌تر دوره ابتدایی به نسبت پایه‌های بالاتر شاهد هستیم و نیز در مواقعی که تعداد دانش‌آموزان کمتر باشد، به ویژه هنگامی که قرار است دانش‌آموزانی با «نیازهای خاص» در کلاس داشته باشیم، فراهم کردن موقعیت «الف» در کلاس بسیار تأثیرگذار و مناسب است.» البته ایشان در ادامه اضافه می‌کنند: «در حال حاضر، با تمام این موانع که از آن یاد شده، هستند معلمانی که به صرف صبوری و تحمل زیاد، می‌کوشند از روش‌هایی مانند آن‌چه در موقعیت «الف» مطرح شد و مواردی که با مشارکت بیشتر دانش‌آموزان ارتباط دارد، بیشتر بهره ببرند. چرا که در نهایت تحقق هدف والای تربیت دانش‌آموزان و البته رضای حق را جست‌وجو می‌کنند.»

### نقش همیار معلم

**میراسمعیلی**، از زاویه دیگری به موضوع اندیشیده است: «علاوه بر تمام فوایدی که در موقعیت «الف» وجود دارد و به تعداد زیادی از آن‌ها اشاره شده است، باید گفت این‌گونه موقعیت‌ها می‌تواند موجب شود که یادگیری عمیق‌تری در دانش‌آموزان ایجاد شود و نیز هنگامی که دانش‌آموزی پرسش خود را از هم‌کلاسی‌اش می‌پرسد، پاسخ‌دهنده در نقش همیار معلم ظاهر می‌شود و در اغلب موارد، پاسخ او به زبان و ذهن دانش‌آموز که هم سن او است، نزدیک‌تر می‌نماید و بنابراین، موجب افزایش یادگیری او می‌شود. هم‌چنین، اگر معلم بتواند از فرصت‌ها به درستی استفاده کند، بهترین حالت

آن‌چه مطالعه کردید،  
گزیده‌ای از نظرات  
همکاران خوبمان در  
دبستان جوادالائمه  
(ع) بود. با کدام یک  
از نظرات بیشتر موافق  
هستید؟ چه نکات  
دیگری می‌توانید به این  
مطالب بیفزایید؟ شما  
درباره انضباط در کلاس  
درس و شیوه‌های اجرای  
آن چگونه می‌اندیشید و  
چگونه عمل می‌کنید؟  
وبسایت مجله رشد  
تکنولوژی آموزشی،  
در انتظار دریافت و  
انعکاس نظرات تکمیلی  
و پاسخ‌های شما عزیزان  
است.